

۸ صفحه	 گزارش خبری
اهدای یا فروش پلاسما؟	
پشت پرده اهدای پولی پلاسم	

رئیس هیئت‌مدیره انجمن علمی انتقال خون یادآوری می‌کند که در زمان ریاست دکتر قاضی‌زاده هاشمی بر وزارت بهداشت، برنامه موقفی در حوزه اهدای داوطلبانه پلاسم ساماندهی شد اما با کنارگشتن هاشمی و روی کار آمدن دکتر نمکی، اعمال فشارهایی برای متوقف‌کردن اهدای داوطلبانه پلاسم انجام شد که علت آن را می‌توان منافی عنوان کرد که در پشت پرده اهدای پولی پلاسم وجود دارد؛ «داروهای مشتق‌شده از پلاسم دارای بازاری با ارزش حدوداً ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار است. این بازار جهت‌گیری‌های خاص خود را القا می‌کند و گردانندگان آن هم نگاه جامعه نسبت به اهدای داوطلبانه را به سمت اهدای پولی سوق می‌دهند».
یورف‌الله در پاسخ به این سؤال که به نظر شما فرایند خارج‌کردن پلاسم از ایران و ساخت داروهای مشتق‌شده از آن در خارج از کشور و سپس بازگشت دوباره آن به کشور تا چه میزان موفقیت‌آمیز بوده است و آیا میزان پلاسمایی که از کشور خارج می‌شود با میزان دارویی که بازمی‌گردد تناسب دارد یا خیر، می‌گوید: «این موضوع مهمی است که سازمان غذا و دارو باید به آن ورود کند. در گذشته روی داروهایی که از طریق پلاسمای صادرشده از ایران تهیه می‌شد و به کشور بازمی‌گشت، برچسب خورده بود که «این دارو با پلاسمای ایرانی تهیه شده است» اما امروز شاهد چنین اتفاقی نیستیم».

وزارت بهداشت شفاف‌سازی کند

مدیرعامل اسبق سازمان انتقال خون تاکید می‌کند که ضروری است سازمان غذا و دارو بر این موضوع نظارت کند که حتما داروهایی که به کشور بازمی‌گردد با پلاسمای ایرانی تهیه شده باشد؛ «این موضوع از نظر پیشگیری از تغییر جغرافیایی بیماری‌ها مهم است تا شاهد انتقال بیماری‌هایی مانند اچ‌آی‌وی و اچ‌بی‌وی از سایر نقاط جهان به داخل کشور نباشیم. با این حال به نظر می‌رسد سازمان غذا و دارو، هیچ نظارت، کنترل و اطلاع‌رسانی در این حوزه نمی‌کند و شاهد ضعف عملکرد در این حوزه هستیم. سازمان غذا و دارو اخیراً اعلام کرده که ما به ۷۰ گرم IVIG کم هزار لیتر است در حالی که میزان نیاز کشور ۶۰۰ هزار لیتر است. این در حالی است که یکی از مدیران سازمان غذا و دارو اخیراً اعلام کرده که ما به ۷۰ گرم IVIG کم هزار لیتر جمعیت نیاز داریم و بر اساس این عدد هم نیاز کشور را به پلاسم ۱،۵ میلیون لیتر اعلام کرده است». او با اشاره به شرایط کشور کره جنوبی می‌گوید: «این کشور جمعیتی مشابه کشور ما داشته و دارای دو پالایشگاه مستقل است. همچنین این کشور صادرکننده داروهای پلاسمایی به بسیاری از نقاط جهان ازجمله ایران است. با وجود این مدیران این کشور مصرف IVIG در این کشور را کمتر از ۴۰ گرم به ازای هر هزار نفر جمعیت می‌دانند. در این شرایط چرا مدیران ما ادعای مصرف ۷۰ گرم IVIG به ازای هر هزار نفر جمعیت را دارند. به نظر من پشت پرده این ماجرا افرادی قرار دارند که اقتصاد داروهای پلاسمایی را در اختیار دارند. بنابراین وزارت بهداشت باید در این حوزه شفاف‌سازی کرده و میزان داروهای پلاسمایی را بر اساس نیازهای کشور برآورد کند».

فقط نمی‌از نیاز کشور تأمین می‌شود

در پاسخ به ابهامات و انتقادات روز گذشته انجمن تأمین‌کنندگان پلاسم و داروهای پلاسمایی در اتاق بازرگانی تهران نشست خبری برگزار کرد. در این نشست نریمان صدری، رئیس انجمن پلاسم با اشاره به اهمیت پلاسم در صنعت دارو گفت: «نزدیک به حدود نهمین‌رست است که تلاش می‌کنیم قسمتی از صنعت پلاسم را بومی‌سازی کنیم. در ابتدای دهه ۸۰کارآفرینان دارو به این نتیجه رسیدند که با توجه به افزایش روزافزون نیاز به دارو در کشور، به توسعه و بومی‌سازی این صنعت نیاز داریم». او با اشاره به اینکه امروز برای دریافت پلاسم نیازی به اهدای خون نیست و با استفاده از روش‌های نوین این ماده را مستقیماً از اهداکننده دریافت می‌کنند. ادامه داد: «با استفاده از این روش نوین تعداد دفعاتی که فرد می‌تواند اهدای پلاسم کند افزایش یافته. براساس پروتکل‌های وزارت بهداشت، یک فرد ایرانی سالم هر یک هفته و تا ۲۶ بار در سال می‌تواند پلاسم اهدا کند. به این شیوه پلاسمای بیشتری برای تهیه دارو در اختیار صنعت داروسازی قرار می‌گرفت. برای استفاده از این روش بخش خصوصی وارد عمل شد و با طی‌کردن فراونشپ بسیار موفق شد دولت و مجلس را قانع کند مجوز تأسیس اولین مرکز خصوصی اهدا پلاسم در کشور را صادر کنند». صدری با بیان اینکه امروز نیمه‌میلیار لیتر پلاسم برای صنعت دارو تأمین شده است، افزود: «این در حالی است که براساس اعلام سازمان غذا و دارو میزان نیاز کشور به پلاسم درحال‌حاضر حداقل یک میلیون لیتر است. بنابراین این صنعت همچنان نیازمند توسعه برای فعالیت دوبرابری است درحالی‌که توسعه این صنعت کند شده و رقابت میان بخش خصوصی و دولت این شرایط را رقم زده است». او در پاسخ به انتقادات مطرح‌شده نسبت به پرداخت پول به اهداکنندگان پلاسم هم گفت: «در ایران پلاسم با فروش نمی‌رسد، بلکه ما براساس یکی از روش‌های مرسوم در جهان عمل می‌کنیم. براساس این روش از آنجایی که فرد داوطلب باید هر بار که برای اهدای پلاسم با به این مراکز مراجعه می‌کند باید چند ساعت از وقت خود را در اختیار صنعت قرار دهد، دولت با مرکز اهدای پلاسم مبلغی به‌عنوان جبران خدمت یا هزینه ایاب و ذهاب به او می‌پردازد. در برخی از کشورها حتی حقوق یک روز کامل کاری برای چنین فردی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا فرد باید برای این کار از محل کار خود در خصی بگیرد. برداشت ما به عنوان صنعت این است که این مدل هم با کرامت انسانی مخالف نیست». عضو هیئت‌مدیره انجمن پلاسم با بیان اینکه سالانه ۲،۳ میلیون لیتر اهدای داوطلبانه خون در کشور وجود دارد، افزود: «اگر بخواهیم از طریق اهدای خون به تولید پلاسمای پریم باید چهار برابر این میزان اهدای خون در کشور انجام شود. در حالی که انتظار ما از دولت این است که در زمینه تصمیم‌گیری درباره صدور مجوز و توسعه این صنعت صدای واحد داشته باشد اما شاهد حمایت از سوی وزارت بهداشت، سازمان غذا و دارو هستیم و از طرف دیگر برخی استانداران ما معتقدند که توسعه صنعت در استان آنها نباید انجام شود». او با تاکید بر اینکه در این صنعت همیشه کمبود وجود دارد، ادامه داد: «ما همواره با کمبود داروهای پلاسمایی مواجه هستیم و سدها بیمار دسترسی به دارو ندارند، آنها هم که دسترسی پیدا می‌کنند داروهای‌شان با منشأ هندی است. اندیشمندان انتقال خون ایران همگی متفق‌القول هستند که تأمین داروهای مشتق از پلاسم، با استفاده از پلاسمای ایرانی راهکار پایدار تأمین دارو برای بیماران ایرانی است. در واقع باید میزان بیشتری از پلاسم را در داخل جمع‌آوری کنیم. با این حال اختلاف‌نظر در این است که این موضوع از طریق مراکز خصوصی محقق شود یا از طریق توسعه مراکز انتقال خون و اهدای داوطلبانه». صدری همچنین ارزش بازار داروهای پلاسمایی را شش همت عنوان کرد که از این میزان ۶۲ درصد از طریق داروهای مشتق از پلاسمای ایرانی تأمین می‌شود و ۳۸ درصد از داروها هم وارداتی هستند. او همچنین در پاسخ به سؤال «شرق» درباره اینکه آیا داروهای پلاسمایی که در داخل تولید می‌شود توان رقابت با داروهای پلاسمایی تولیدشده در خارج از کشور را دارند و در این حوزه تکنولوژی لازم موجود است، هم گفت: «داروهای تولیدشده در ایران تحت نظارت یکی از سخت‌گیرترین تنظیم‌گران دارویی این منطقه تولید می‌شوند. تمام این داروها اعم از پلاسمایی و غیرپلاسمایی حداقل شاخص‌های لازم را برای درمان بیماران داشته‌اند، وگرنه سازمان غذا و دارو اجازه تولید آنها را نمی‌داد. بنابراین من محصولات پلاسمایی تولیدشده در داخل را با همان خیال راحتی استفاده می‌کنم که سایر داروهای تولید کشور را».

گفت‌وگوی «شرق» با آرش نصراصفهانی، جامعه‌شناس، درباره وضعیت مهاجران نظامی افغانستانی در ایران

سربازان بی‌سرزمین

گزارش‌ها نشان می‌دهد برخی از بازگشت‌کنندگان بلافاصله پس از ورود، قربانی دادگاه‌های صحرایی شده‌و حتی در مرز، اعدام شده‌اند



آرش نصراصفهان‌ی، جامعه‌شناس، درباره وضعیت مهاجران نظامی افغانستانی در ایران

مریم لطفی: در سال‌های اخیر با بازگشت طالبان به قدرت، موجی تازه از مهاجران افغانستانی وارد ایران شده است؛ از جمله نظامیان، خلبانان، مأموران امنیتی و کارمندان دولت پیشین. گروهی خاصی که به واسطه پیشینه شغلی و پیوندشان با ساختار سابق قدرت در افغانستان، اکنون از سوی طالبان تهدید می‌شوند و از سوی دیگر، در کشور میزبان نیز با بی‌ثباتی حقوقی و فقدان حمایت مؤثر مواجه‌اند.

در هفته گذشته، خبری تلخ در شبکه‌های اجتماعی بازنتاب گسترده‌ای یافت؛ خودسوزی محمدمیر توسلی، خلبان ارتش پیشین افغانستان در مشهد، پس از آنکه برکه اخراجی‌ش صادر شد و امیدش به تمدید اقامت از بین رفت؛ روایتی دردناک از انسانی که از ترس بازگردانده‌شدن به افغانستان و تهدید جانی به زندگی خود پایان داد. هرچند برخی سایت‌ها و منابع رسمی در درستی این روایت ابراز تردید کرده‌اند و اصل ماجرا را در هاله‌ای از ابهام دانسته‌اند، اما آنچه انکارناپذیر است، واقعیت زندگی هزاران نظامی افغانستانی در ایران است که در سایه ناامنی روانی، بلاتکلیفی حقوقی و تهدید اخراج، روزگار می‌گذرانند.

بسیاری از این افراد نه تنها از امکان دریافت اقامت پایدار محرومند، بلکه فاقد هرگونه مسیر قانونی برای ثبت درخواست پناهندگی یا دریافت حمایت‌های موقت هستند. فشار روانی ناشی از این وضعیت، به‌ویژه برای کسانی که سابقه جنگ با طالبان را دارند، بسیار سنگین است. روایت‌های متعددی از بازداشت یا حتی اعدام نظامیان بازگشتی به افغانستان در دست است و همین امر، بر عمق بحران انسانی افزوده است.

برای بررسی دقیق‌تر وضعیت مهاجران نظامی افغانستانی در ایران، از ابعاد حقوقی، اجتماعی و انسانی و بررسی عملکرد نهادهای داخلی و بین‌المللی در مواجهه با این بحران، آرش نصراصفهان‌ی، جامعه‌شناس و پژوهشگر مهاجرت و حقوق پناهندگان، در گفت‌وگو با «شرق» توضیحات درخورتوجهی داد.

❌ مهم‌ترین چالش‌هایی که مهاجران نظامی افغانستانی در ایران با آن مواجه هستند، چیست؟ آیا این چالش‌ها بیشتر امنیتی، حقوقی یا معیشتی‌اند؟

به طور کلی، پناهندگان و مهاجران افغانستانی در ایران با چالش‌های متعددی در زندگی روزمره مواجه‌اند؛ اما افراد نظامی، علاوه بر تمام این مسائل و محرومیت‌ها، همواره با ترس شناسایی و مجازات از سوی طالبان نیز روبه‌رو هستند. بسیاری از آنها حتی در داخل ایران نگران‌اند که نیروهای طالبان آن‌ها را شناسایی کنند و به‌همین‌دلیل، مراجعه به سفارت افغانستان نیز برایشان با اضطراب و نگرانی همراه است. از سوی دیگر، خطر اخراج از ایران و آنچه ممکن است در افغانستان بر سرشان آید، به‌ویژه در مواجهه با طالبان، یک وحشت دائمی در ذهن آنها ایجاد کرده است. این وضعیت روانی تنها شامل خود فرد نظامی نمی‌شود، بلکه به طور طبیعی خانواده او را نیز در بر می‌گیرد، چراکه آنها نیز نگران سرنوشت عضو نظامی خانواده هستند. این هراس در میان کسانی که فاقد مدرک اقامت‌اند و نتوانسته‌اند به طور رسمی در ایران ثبت شوند، بسیار شدیدتر است؛ چراکه در هر لحظه امکان بازداشت و سلب شهر و بازگرداندن به افغانستان برای آنها وجود دارد. افزون بر این، افرادی که به صورت رسمی عضو نیروهای نظامی نبوده‌اند و عمدتاً در قالب گروه‌های شبه‌نظامی با مقاومت مردمی علیه طالبان فعالیت کرده‌اند، به‌راحتی نمی‌توانند نظامی بودن خود را اثبات کنند؛ موضوعی که خطر اخراج و بازگشت اجباری را برای آنها افزایش می‌دهد.

در طرح اخیر وزارت کشور ایران مبنی بر ابطال برکه سرشماری دو میلیون افغانستانی که طی سه سال گذشته به عنوان مهاجران قانونی در کشور اقامت داشته‌اند، بخش قابل توجهی از نظامیان نیز تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. این اقدام، موجب افزایش اضطراب و نگرانی در میان آنان شده است. اگرچه دولت مهلت شش‌ماهه‌ای برای تعیین تکلیف این افراد در نظر گرفته، اما سرنوشت آنان پس از پایان این مهلت همچنان نامعلوم است. به‌طور کلی، وضعیت افراد نظامی افغانستانی در ایران، آمیخته با سطح بالایی از تردید و ترس از خشونت طالبان در صورت بازگشت است.

❌ با توجه به وضعیت امنیتی در افغانستان، آیا بازگرداندن این افراد به کشورشان با رعایت حفظ جان آنها امکان‌پذیر است؟

یک افغانستانی که زمانی با طالبان جنگیده است، اگر به این کشور بازگردانده شود، به دلیل بافت قبیله‌ای و روستایی جامعه افغانستان، به‌سادگی در محل زندگی خود شناسایی می‌شود. این خطر تنها منوجه خود فرد نیست، بلکه ممکن است اعضای خانواده و بستگان او نیز تحت تأثیر قرار بگیرند. علاوه بر اطلاعاتی که طالبان از نیروهای رسمی نظامی در اختیار دارد، افراد عضو گروه‌های شبه‌نظامی نیز به‌راحتی قابل شناسایی هستند و به‌همین‌دلیل در معرض خطر جدی قرار دارند. گزارش‌هایی از داخل افغانستان منتشر شده که براساس برخی از بازگشت‌کنندگان بلافاصله پس از ورود، قربانی دادگاه‌های صحرایی شده و حتی در مرز، اعدام شده‌اند. این موضوع به‌ویژه درباره افرادی که متهم به واردآوردن خسارت یا مرگ یکی از اعضای طالبان هستند، بسیار جدی‌تر است، چراکه چنین افرادی در لیست‌های سیاه طالبان قرار دارند.

❌ در این شرایط، تکلیف کسانی که اکنون در ایران با مدارک خانواری زندگی می‌کنند، چیست؟ آیا آنها نیز در معرض خطر قرار دارند؟

بله، در مواردی افراد نظامی یا شبه‌نظامی وجود دارند که در جنگ‌های منتهی به اولین دور قدرت‌گیری طالبان مشارکت داشته‌اند و امروز با مدارک خانواری (پاسپورت خانوادگی) در ایران زندگی می‌کنند. با طرح اخیر وزارت کشور ایران برای حذف این نوع پاسپورت‌ها، آنها نیز در معرض خطر جدی قرار گرفته‌اند. حذف این مدارک می‌تواند منجر به بی‌مدرکی، اخراج و بازگشت اجباری آنان به افغانستان شود؛ بازگشتی که بدون شک برای بسیاری از این افراد مساوی با شکنجه، زندان، محرومیت و حتی مرگ خواهد بود. این خطر در حالی وجود دارد که نه رسانه‌های مستقل در افغانستان اجازه فعالیت دارند و نه نهادهای بین‌المللی امکان نظارت مؤثر بر شرایط داخلی این کشور را دارند. از سوی دیگر، دولت‌های غربی نیز عموماً چشم خود را بر سیاست‌های غیرانسانی طالبان بسته‌اند و واکنش قابل‌توجهی نسبت به موارد متعدد نقض حقوق بشر در این کشور نشان نمی‌دهند. در نتیجه، بسیاری از موارد نقض حقوق انسانی در افغانستان امروز در سکوت رخ می‌دهد و هیچ ضمانتی برای حمایت از جان و امنیت بازگشت‌کنندگان وجود ندارد.

❌ در صورت عدم حمایت مناسب، این مهاجران چه پیامدهای اجتماعی و روانی را تجربه می‌کنند و چه راهکارهایی برای بهبود وضعیت روحی و اجتماعی آنها پیشنهاد می‌کنید؟

آنچه برای کاهش رنج این گروه از پناه‌جویان ضروری است، حداقلی از اطمینان نسبت به جلوگیری از بازگشت اجباری آنها تا زمان بهبود شرایط در افغانستان است. اجرای طرح ابطال برگه‌های سرشماری، ضربه‌ای جدی به زندگی بسیاری از افرادی وارد کرده است که در پی تحولات پس از بازگشت طالبان، به ایران پناه آورده‌اند. این طرح، امنیت روانی و زیستی این گروه را که در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند زندگی خود را نه شرایطی پایدارتر بازسازی کنند، به طور مستقیم هدف قرار داده است. برای زنان و کودکان، به‌ویژه دختران، ترس از اخراج، فشاری روانی و خردکننده ایجاد کرده است. این ترس نه‌تنها ناشی از بی‌ثباتی اقامت در ایران، بلکه برخاسته از تصویری است که از آینده افغانستان دارند؛ جایی که دختران در صورت بازگشت، از حق تحصیل محروم خواهند شد و حتی خطر ازدواج اجباری با اعضای طالبان تهدیدی بسیار جدی برای آنها به شمار می‌آید.

❌ ترس از بازگشت اجباری چگونه لایه‌های مختلف اجتماعی این مهاجران را درگیر کرده و بر زندگی روزمره آنها تأثیر گذاشته است؟

درباره نظامیان، کارمندان دولت پیشین و خانواده‌های‌شان نیز ترس از تهدید جانی یک موضوع بسیار جدی و حیاتی است. آنها همواره با این نگرانی زندگی می‌کنند که در صورت بازگشت، در معرض پیگرد، شکنجه یا حتی مرگ قرار گیرند. این نگرانی‌ها به بحران‌های روانی شدیدی منجر شده است؛ از اضطراب و بی‌خوابی تا افسردگی‌های مزمن. متأسفانه هیچ‌گونه توجهی به پیامدهای انسانی و اجتماعی این طرح‌های ضربتی نشده و دولت، بی‌اعتنا به شرایط واقعی زندگی این مهاجران، تصمیم خود را برای اخراج آنها اتخاذ کرده است. تنها راه‌حل عملی برای کاهش این رنج‌ها، توقف فوری طرح ابطال برگه‌های سرشماری و جایگزینی آن با برنامه‌ای در بازه زمانی گسترده‌تر و مبتنی

بر بررسی شرایط فردی افراد است که بازگشت تا حد امکان، به صورت داوطلبانه و با حفظ کرامت انسانی صورت گیرد. راه‌حل اساسی‌تر اجرای قوانین مربوط به تعیین وضعیت پناهندگی و بررسی پرونده‌های شخصی افراد، بر پایه حقوق مصرح در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی است. احترام به اصل بازنگرداندن (non-refoulement) که از اصول بنیادین حقوق پناهندگان است، باید مبنای تصمیم‌گیری‌ها قرار گیرد. در غیر این‌صورت، نه‌تنها فاجعه‌ای انسانی در حال وقوع خواهد بود، بلکه تبعات اجتماعی و امنیتی این بی‌توجهی، در آینده‌ای نه‌چندان دور، به کل جامعه بازخواهد گشت.

❌ دولت ایران چه وظایفی در قبال مهاجران نظامی دارد و تا چه حد این وظایف تاکنون عملی شده‌اند؟

براساس کنوانسیون پناهندگان که ایران به آن پیوسته است و همچنین آیین‌نامه پناهندگان که بخشی از قوانین داخلی کشور محسوب می‌شود، دولت ایران موظف است به کسانی که به دلایل موجه از ترس آزار، شکنجه یا پیگرد قانونی به کشور دیگری پناه آورده‌اند، پناهندگی اعطا کند. در این چارچوب، نظامیان افغانستانی که با طالبان جنگیده‌اند، به‌ویژه نیروهای وابسته به دولت پیشین این کشور، به طور مشخص مشمول تعریف پناهنده هستند. در تعریف حقوقی پناهنده، مفهوم کلیدی «ترس موجه از آزار و اذیت (prosecution)» مطرح است؛ ترسی که درباره این گروه نه‌تنها موجه، بلکه قطعی و انکارناپذیر است. بازگشت این افراد به افغانستان به معنای مواجهه با خطر رسیدگی به پرونده‌های فردی فراهم نیست. از سوی دیگر، مدارک شناسایی‌ای که طی سال‌های اخیر برای برخی مهاجران صادر شده بود، یکی‌یکی باطل می‌شود، آن‌هم بدون ارائه هیچ‌گونه طرح جایگزین یا تضمینی برای حمایت از افراد در معرض خطر.

❌ چرا سیاست‌های مرتبط با مهاجران نظامی افغانستان در ایران بیشتر ماهیتی امنیتی یافته‌اند و این نگرش چه تبعاتی داشته است؟

بله، یکی از عوامل اصلی این وضعیت، نگرش امنیتی حاکم بر تصمیم‌گیری‌ها در حوزه مهاجرت است. برخی جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای، حضور نظامیان افغانستانی را به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی معرفی کرده‌اند؛ نگرشی که اثر قابل توجهی بر شکل‌گیری سیاست‌های رسمی داشته است. این رویکرد محتاطانه موجب شده دولت، به جای آنکه وضعیت انسانی و حقوقی این افراد را بررسی کند، براساس ملاحظات امنیتی، از اجرای تعهدات قانونی خود در قبال آنها خودداری کند. مشکل اساسی در این میان، برخورد جمعی و کلی با مسئله است که به جای بررسی پرونده‌های پناه‌جویان به صورت فردی و در چارچوب فرایندی شفاف، همه آنها به‌عنوان یک گروه بازگشت در سطح شهر و بازگرداندن به افغانستان تلقی می‌شوند. این در حالی است که اصل بنیادی در نظام‌های حقوقی پناهندگی، بررسی وضعیت هر متقاضی به صورت موردی است. در عمل، یک نگرانی کلی امنیتی به توجیهی برای بی‌توجهی به مسئولیت‌های حقوقی و انسانی نسبت به یک جمعیت آسیب‌پذیر تبدیل شده است.

❌ آیا در حال حاضر نظامیان افغانستانی از حمایت‌های قانونی مانند پناهندگی یا حفاظت موقت برخوردارند؟

بخشی از نظامیان افغانستانی امروز بدون مدرک اقامتی در ایران به صورت مخفیانه زندگی می‌کنند، زیرا همواره نگران دستگیری توسط پلیس و بازگردانده‌شدن به افغانستان هستند. این افراد با مهلت ویزای‌شان به پایان رسیده یا اساساً از طرح سرشماری سال ۱۴۰۰ جا مانده‌اند و در نتیجه، هیچ‌گونه فرایند رسمی برای ثبت یا درخواست حمایت برایشان وجود ندارد. از سوی دیگر، آن دسته از نظامیانی که موفق به دریافت برگه سرشماری شده بودند و اقامتشان تا سال گذشته قانونی بود نیز اکنون در وضعیت بلاتکلیف قرار دارند. دولت اعلام کرده است که این افراد برای مدت شش ماه دیگر اجازه اقامت خواهند داشت، اما مشخص نکرده پس از پایان این مهلت، چه تصمیمی در قبال آنها اتخاذ خواهد شد. نبود شفافیت در سیاست‌گذاری، بر اضطراب و ناامنی روانی این جمعیت می‌افزاید و عملاً آنها را در برزخی از انتظار و ترس قرار داده است.

❌ چه راهکاری می‌توانست امنیت این افراد را تأمین کند و هم‌زمان نگرانی‌های امنیتی دولت را کاهش دهد؟

در چنین شرایطی، اجرای یک طرح حمایتی ویژه برای نظامیان افغانستانی –چه آنها که فاقد مدرک هستند و چه آنها که دارای برگه سرشماری‌اند– ضرورتی انکارناپذیر دارد. این طرح باید شامل بررسی دقیق پرونده‌های افراد باشد تا مشخص شود کدام افراد خطری برای امنیت ملی ندارند و واجد شرایط دریافت حمایت هستند. پس از این بررسی، می‌توان آنها را تحت پوشش یک برنامه حمایتی ویژه و بشردوستانه قرار داد؛ برنامه‌ای که با هدف حفظ جان این افراد و پیشگیری از بازگشت‌شان به افغانستان طراحی شود. نبود چنین حمایتی، در عمل بسیاری از این افراد را به سمت زندگی غیرقانونی سوق می‌دهد؛ آن‌هم نه به میل خود، بلکه از ترس مرگ یا شکنجه در کشورشان. این در حالی است که زندگی در برپناه‌ای خارج از چارچوب‌های قانونی برای کسانی با پیشینه نظامی، ممکن است خود به چالش‌های امنیتی جدی برای کشور میزبان بدل شود؛ بنابراین ایجاد تعادلی میان حفظ امنیت ملی و انجام تعهدات انسانی و حقوقی، تنها از مسیر یک برنامه حمایتی ویژه، شفاف و هدفمند ممکن خواهد بود.

❌ نقش سازمان‌های بین‌المللی در حمایت از نظامیان افغانستانی چگونه است و چه چالش‌هایی وجود دارد؟

مهم‌ترین نقش سازمان‌های بین‌المللی در حمایت از این گروه، اسکان آنها در کشورهای ثالث است. به نظر می‌رسد فرصت شش‌ماهه‌ای که وزارت کشور ایران به کارمندان دولت سابق و نظامیان دارای برگه سرشماری داده است، در نهایت معطوف به پیداکردن راه‌حلی برای اسکان مجدد این افراد در کشور دیگری باشد. اما این فرایند در سازمان‌های بین‌المللی معمولاً زمان‌بر است و موارد موفق آن نیز بسیار محدود و اندک است. از یک طرف، پذیرش پناهندگی افرادی که سابقه نظامی دارند مستلزم اطمینان کامل از عدم دخالت آنها در جنایت‌های جنگی، نقض حقوق بشر یا جرائم شدید است؛ امری که برپناه‌ای بسیاری پیچیده و زمان‌بر محسوب می‌شود. از سوی دیگر، متأسفانه کشورهای غربی نیز توجه چندانی به مسئله افغانستان ندارند و ظرفیت اسکان مجدد برای این افراد بسیار محدود تعریف می‌شود؛ بنابراین امروز انتقادهای زیادی متوجه کشورهای غربی و نهادهای بین‌المللی درباره پناه‌جویان افغانستانی، به‌ویژه نظامیان، است. به نظر می‌رسد در مقیاس جهانی افغانستان و مردم آن به حال خود رها شده‌اند و امروز این گروه بسیار بی‌پناه‌تر از گذشته هستند.

❌ چه نقش و محدودیت‌هایی برای نهادهای مدنی و رسانه‌های مستقل در ایران وجود دارد و چگونه می‌توانند به بهبود وضعیت نظامیان افغانستانی کمک کنند؟ از نهادهای مدنی ایران، نباید انتظار زیادی داشت زیرا آنها معمولاً قدرت عمل محدودی دارند. اکثریت سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه مهاجرت بیشتر بر خدمات‌رسانی به کودکان پناهنده تمرکز کرده‌اند و حتی در این مأموریت نیز با چالش‌های فراوانی روبه‌رو هستند. پس نقش اصلی و مؤثر در این زمینه را رسانه‌های مستقل می‌توانند ایفا کنند. آیا رسانه‌ها می‌توانند نقش کلیدی در آگاه‌سازی عمومی درباره پیچیدگی‌های واقعی وضعیت نظامیان افغانستانی داشته باشند؟

در شرایطی که روایت‌های ساده‌سازی‌شده تلاش می‌کنند افکار عمومی را به حمایت از طرح‌های اخراج مهاجران سوق دهند، رسانه‌های مستقل می‌توانند با بازتاب‌دادن واقعیت‌های پیچیده و پیامدهای انسانی این تصمیمات، توجه جامعه را به جنبه‌های مغفول‌مانده جلب کنند. به طور خاص، آنها می‌توانند برای مطالبه از دولت جهت اجرای قوانین مرتبط با پناهندگی یا حداقل ایجاد طرح‌های حمایت موقت تلاش کنند. همچنین با انتقال قصه زندگی این افراد و خانواده‌های‌شان، امکان ایجاد همدلی و حساسیت بیشتر نسبت به رنج آنها را فراهم کرده و نقش مهمی در بهبود شرایط این گروه ایفا کنند.

۸ صفحه	 خبرخوان
پوشش حداقل ۷۰ درصد هزینه داروهای سرطان	

ایستنا: مدیرعامل سازمان بیمه سلامت ایران از پوشش ۷۰ تا صددرصدی هزینه داروهای سرطان در قالب صندوق حمایت از بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج خبر داد و گفت: «بخش زیادی از هزینه‌های صندوق نیز مربوط به هزینه‌های دارویی است؛ به طوری که حدود ۷۰ درصد منابع صندوق صرف داروها و مخصوصاً داروهای ضدسرطان می‌شود». محمدمهدی ناصحی سرطان‌ها را از بیماری‌های پرهزینه تحت پوشش صندوق حمایت از بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج خواند و گفت: «انواع سرطان‌ها تحت پوشش صندوق بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج قرار دارند و بخش زیادی از هزینه‌های صندوق نیز مربوط به هزینه‌های دارویی است؛ به طوری که حدود ۷۰ درصد منابع صندوق صرف داروها و مخصوصاً داروهای ضدسرطان می‌شود». او درباره اینکه چه درصدی از هزینه داروهای ضدسرطان توسط صندوق حمایت از بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج پوشش داده می‌شود، گفت: «در بسیاری از موارد تا صددرصد هزینه داروها توسط صندوق مذکور پوششش داده می‌شود و در سرطان حداقل پوشش صندوق بالای ۷۰ درصد است». مدیرعامل سازمان بیمه سلامت درباره نوسانات قیمت داروها و افزایش پرداخت از جیب مردم گفت: «نوسانات قیمت برخی داروها به‌ویژه در دو سال گذشته و در چند نوبت داشتیم و در همین راستا نیز سعی کردیم قیمت‌ها را در محدوده اصلاح کنیم؛ اما بالاخره این موضوع کاری کریم‌است و باید حوزه‌های دیگر هم به‌موقع قیمت‌ها را اعلام و اصلاح کنند تا کار در سامانه بیمه نیز به‌موقع انجام شود. به دلیل زمان‌بر بودن این‌موضوع ممکن است افرادی که از این منابع استفاده می‌کنند، به طور موقتی در مقطعی از زمان، پرداخت از جیب‌شان اضافه شده باشد».

هشدار درباره

فروش سؤالات نهایی

رئیس فلیس فتای ارجا نسبت به افزایش قیمت‌های کلاهدراران در فضای مجازی که با وعده‌های فریبنده اقدام به فروش سؤالات یا پاسخ‌نامه امتحانات نهایی می‌کنند، هشدار داد. وحید مجید با اشاره به دوره امتحانات نهایی در مدارس کشور، گفت: «هر سال در ایام برگزاری امتحانات نهایی مدارس کشور، شاهد افزایش تبلیغات جعلی و کلاهبرداری در شبکه‌های اجتماعی، کانال‌های تلگرامی، صفحات اینستاکرامی و حتی برخی سایت‌های اینترنتی هستیم. عده‌ای سودجو با بهره‌گیری از حس نگرانی و استرس دانش‌آموزان و خانواده‌ها، اقدام به انتشار آگهی‌هایی با عنوان فروش سؤالات یا کلید امتحانات نهایی می‌کنند تا از این طریق مبالغی قابل توجه را به صورت غیرقانونی و از راه کلاهبرداری دریافت کنند». او ادامه داد: «همه وعده‌ها و تبلیغات مطرح‌شده در این حوزه، صرفاً تبلیغاتی و دروغین هستند و هیچ‌گونه واقعیتی ندارند. اطلاعات مربوط به برگزاری امتحانات نهایی، کاملاً محرمانه است و انتشار یا فروش سؤالات پیش از زمان برگزاری امتحان غیرممکن است و توسع مراجع ذی‌ربط با جدیت پیگیری می‌شود». رئیس پلیس فتای ارجا با اشاره به راه‌اندازی تیم‌های ویژه و افزایش گشت‌های سایبری پلیس فتا در این دوره گفت: «همه کانال‌ها و صفحات مجازی به صورت مستمر پایش می‌شود و به محض شناسایی تبلیغ‌کنندگان و عاملان این نوع جرائم، اقدامات قانونی و برخورد قاطع در دستور کار قرار می‌گیرد. تضمین امنیت سؤالات و پاسخ‌نامه‌های امتحانات را نخواهیم؛ چراکه این اقدامات فقط برای سوءاستفاده و کلاهبرداری است و اعتماد به این تبلیغات علاوه بر ایجاد خسارت مالی، می‌تواند تبعات روحی و امنیتی برای خانواده‌ها به همراه داشته باشد».